

تعامل علمای شیعه با سایر مسلمانان در حج و حرمین شریفین

حافظ نجفی*

چکیده

علمای شیعه به عنوان پاسداران دین و مریدان و هدایتگران مردم، همواره در اندیشه تعامل سازنده با پیروان دیگر ادیان و مذاهب، به ویژه در حرمین شریفین - مکه و مدینه - در زمان برگزاری حج و عمره، بوده‌اند و مردم را نیز به سعه صدر و اخلاق نیکو با دیگران توصیه کرده‌اند. در این مقاله که دارای روش توصیفی - تحلیلی است، شیوه رفتاری و تعامل علمای شیعه با دیگر مسلمانان در موسم حج و حرمین شریفین، مورد بررسی قرار گرفته و روشن شده است که عالمان روشن بین شیعه، ضمن آگاه ساختن پیروان مذاهب اسلامی در زمینه‌های مختلف، آنان را به مشترکات اعتقادی، وحدت و انسجام اجتماعی و هشیاری در برابر دسیسه‌های دشمنان فراخوانده، و با صدور فتوای راهگشا در زمینه مناسک حج و ایجاد ارتباط‌های دوستانه با اهل سنت، از وقوع بسیاری از تنش‌ها و اختلافات پیشگیری کرده‌اند و زمینه برگزاری مسالمت آمیز حج را فراهم ساخته‌اند.

واژگان کلیدی: تعامل، علمای شیعه، مسلمانان، حج، حرمین شریفین.

علمای شیعه، به دلیل تربیت در مکتب قرآن و عترت علیهم السلام، به عنوان وارث پیامبران (کلینی، ج ۱، ص ۳۲)^۱ و پرچمدار هدایت مردم شناخته می‌شوند (ابونعیم، ج ۱، ص ۳۴۶)^۲ آنان - که به تعبیر امام صادق علیه السلام پاسداری از مرزهای عقیده و ایمان مردم را بر عهده دارند (طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۱۷)^۳ - همواره کوشیده‌اند با اخلاق و رفتار پسندیده خود، مردم را با فضیلت‌های اخلاقی آشنا کنند. در مناطقی که پیروان مذاهب مختلف اسلامی در کنار هم زندگی می‌کنند، به ویژه در موسم حج و حرمین شریفین، علما همواره مظهر وحدت و برادری به شمار آمده و با بیانات، دستورالعمل‌ها و فتاوی‌ای خود عامل ثبات و آرامش در فتنه‌ها و اختلافات، و سبب روان شدن برگزاری مراسم حج بوده‌اند.

با توجه به اینکه دشمنان اسلام در طول تاریخ به صورت پیدا و پنهان به دنبال ایجاد اختلاف، درگیری و تنش در میان مسلمانان بوده و برای نیل به اهداف خود از تفاوت مذهبی، تعصبات قومی و زبانی و همچنین از ناآگاهی برخی از افراد بیشترین بهره را برده و در اثر آن، بیگانه‌ها را زبانی در طول تاریخ به خاک و خون کشیده شده‌اند، لازم است الگویی برای رفتار مسالمت‌آمیز در میان مسلمانان ارائه شود. به یقین، رفتار و مناسبات علمای شیعه با دیگر مسلمانان در حج و حرمین شریفین می‌تواند به عنوان مدل صحیحی از زندگی اجتماعی، آن هم در سطح جهانی، برای حج‌گزاران و زائران مطرح شود و از اختلاف‌افکنی و سوء استفاده دشمنان پیشگیری کند.

در برخی از موسوعه‌ها، مانند اعیان الشیعه سید محسن امین و ریاض العلماء افندی و امل الآمل حر عاملی، به سفر برخی از علما به مکه و مدینه، و در کتاب اعلام المجاورین بمکه المعظمة و کتاب اعلام المدینه المنوره حسین واتقی، به حضور تعداد قابل توجهی از علمای شیعه در حرمین اشاره شده و در کتاب المکاتبات المکیه وی، به نامه‌نگاری علما و تعاملشان با برخی شخصیت‌های مکه و مدینه پرداخته شده است. همچنین در برخی از سفرنامه‌ها و مقالات (مانند مقالات مربوط به سفر حج آیت‌الله کاشانی و مرحوم فلسفی و هاشمی رفسنجانی و...) در باره چگونگی سفر حج و مناسبات برخی از علمای

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : «قَالَ: إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةَ الْأَنْبِيَاءِ...»

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله : «يَرْفَعُ اللَّهُ بِهَذَا الْعِلْمِ أَقْوَامًا فَيَجْعَلُهُمْ قَادَةً يُقْتَدَى بِهِمْ فِي الْخَيْرِ...»

۳. قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ علیه السلام : «عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مَرَابِطُونَ فِي الثَّغْرِ الَّذِي بَيْنَ إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيْتِهِ...»

شیعه با دیگر مسلمانان در مکه و مدینه اشاراتی وجود دارد؛ ولیکن آثار یاد شده به صورت یکپارچه و منسجم، تأمین کننده هدف مورد نظر این تحقیق نیست، و عرصه برای تحقیقات علمی روزآمد همچنان فراهم است.

در این مقاله سعی شده است شیوه‌های رفتاری و برخوردهای عالمان شیعه با دیگر مسلمانان در مکه و مدینه و همچنین دستورالعمل‌ها و توصیه‌های آنان از عهد صفویه تاکنون، مورد بررسی قرار گیرد و به این سؤال پاسخ داده شود که شیوه تعامل علمای شیعه با دیگر مسلمانان در حج و حرمین چگونه بوده و چه نقشی در ایجاد صمیمیت میان مسلمانان و در نتیجه روان‌سازی مراسم حج داشته است؟

شیوه‌های تعامل علمای شیعه با سایر مسلمانان

علمای دین، به عنوان خلفا و جانشینان پیامبر ﷺ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۲۰)، همچون ستارگان فروزان، هدایتگر مردم به سوی فضیلت‌ها و روشن کننده راه زندگی آنان هستند (کلینی، ج ۲، ص ۴۹۹). آشناسازی مردم با دلایل و معیارهای زندگی آرام و بدون تنش، خصوصاً در تعامل با پیروان مذاهب دیگر، یکی از جلوه‌های هدایتگری عالمان دینی است که به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. امور اعتقادی

الف) توجه به اصول مشترک و مسلمات اعتقادی

از دیدگاه مکتب اسلام، همه مسلمانان یکسان هستند و عطوفت و مهرورزی به یکدیگر از شاخصه‌های عمومی آنان است ﴿رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ (فتح: ۲۹) برابر آیات قرآن و روایات، مستمسک‌های زیادی برای این همبستگی مهربانانه وجود دارد: پیامبر واحد، که از نظر همه مسلمانان اطاعت از او همانند اطاعت از خداوند واجب است: ﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۱ (آل عمران: ۱۳۲). همچنین نماز و نیایش به سوی قبله واحد، که می‌تواند الگویی برای همسویی آنان در همه عرصه‌های فرهنگی

۱. و از خدا و پیامبر فرمان برید تا مورد رحمت قرار گیرید.

و اجتماعی باشد.^۱ (بقره: ۱۴۴) اخوت دینی، که خداوند متعال، مؤمنین را برادر یکدیگر قلمداد کرده و ضرورت اصلاح میان آنها را مورد تأکید قرار داده است: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ...﴾^۲ (حجرات: ۱۰) با این رویکرد دینی است که رسول خدا ﷺ هنگامی که متوجه شدند برخی از مسلمانان با سلمان فارسی رفتار تبعیض آمیز دارند، بر بالای منبر رفته و فرمودند:

«إِنَّ النَّاسَ مِنْ عَهْدِ آدَمَ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا مِثْلُ أَسْنَانِ الْمَشْطِ لَا فَضْلَ لِلْعَرَبِيِّ عَلَى الْعَجَمِيِّ وَلَا لِلْأَحْمَرِ عَلَى الْأَسْوَدِ إِلَّا بِالتَّقْوَى» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۴۱).

«مردمان از زمان آدم تا امروز، همه مانند دندانه‌های شانه‌اند، نه عرب بر عجم و نه سرخ بر سیاه، برتری ندارد؛ مگر با تقوا.»

با توجه به معیار یاد شده، بسیاری از علمای شیعه در سفر حج و هنگام مواجه شدن با علمای اهل سنت یا حاکمان مکه و مدینه، همچنین در بحث‌ها و مناظرات علمی، اصول مشترک اعتقادی میان مسلمانان را به عنوان محور وحدت، مد نظر قرار داده و همه مسلمانان را به التزام آن مشترکات، فراخواندند و از وقوع برخی تنش‌ها و منازعات پیشگیری، و مشکلات پیش آمده را رفع کردند (مختاری، ۱۳۹۳ش، ص ۱۳۶-۱۰۲).

ب) سعه صدر در برخورد با عقاید دیگران

برابر روایتی از امام صادق علیه السلام «چون مسلمانان به باورهای مشرکین دشنام می‌دادند، خداوند با فرستادن آیه شریفه ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ...﴾ (انعام: ۱۰۸) آنها را از سب آله مشرکان بازداشت؛ زیرا در این صورت مسلمانان ندانسته باعث می‌شدند تا خدای یگانه، مورد اهانت کفار قرار گیرد.» (قمی، ج ۱، ص ۲۱۳) از این حیث آیه فوق یکی از ادب‌های دینی را خاطرنشان می‌سازد که با رعایت آن،

۱ (قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ...﴾ پس رویت را به سوی مسجد الحرام گردان. و [شما ای مسلمانان] هر جا که باشید، روی خود را به سوی آن برگردانید.

۲. جز این نیست که همه مؤمنان با هم برادرند؛ بنابراین [در همه نزاع‌ها و اختلافات] میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید.

احترام مقدسات جامعه دینی محفوظ مانده و دستخوش اهانت و ناسزا و تمسخر واقع نمی‌شود (طباطبائی، ۱۳۸۹ش، ج ۷، ص ۳۱۴). در این راستا، حضرات معصومین علیهم‌السلام به عنوان یک وظیفه اجتماعی، مسلمانان را به مدارا با یکدیگر توصیه می‌نمودند که در فرهنگ اسلامی راه حلی کارآمد و مفید قلمداد شده است. مدارا به معنای تحمل عقاید رقیب، در عین باورمندی و پایبندی به حقانیت اعتقادات خود و به تعبیری سعه صدر علمی و گشودن فضای تعامل و تعاطی افکار است. آن‌گاه که برخی از یاران علی علیه‌السلام به ناسزاگویی معاویه و اصحابش زبان گشودند با مخالفت آن حضرت مواجه شده و از ایشان شنیدند که فرمود:

«إِنِّي أَكْرَهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّائِينَ...» (شریف رضی: خطبه ۲۰۶).

«ناسزاگویی را برای شما نمی‌پسندم به جای آن بهتر است عملکرد معاویه و یارانش را بیان کنید و برای هدایت شدن آنان از گمراهی و حفظ خون مسلمانان و اصلاح امورشان دعا نمایید.»

علمای اسلام، احترام به مقدسات پیروان مذاهب دیگر را بسیار لازم دانسته و افراد را از هرگونه گفتار و رفتاری که موجب اختلاف و تفرقه بین مسلمانان شده و سوژه و بهانه به دست دشمن می‌دهد، پرهیز می‌دادند و توهین به مقدسات دیگران را شرعاً حرام اکید می‌دانستند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۲/۲۲) یکی از شرایط برگزاری مسالمت‌آمیز مناسک حج نیز - که همه‌ساله با حضور پیروان مذاهب مختلف اسلامی در یک مکان برگزار می‌گردد - احترام به سلاقی و عقاید یکدیگر است (مصاحبه با سرپرست حجاج ایرانی، میقات حج، شماره ۷۱، ص ۱۴۶)

۲. امور عبادی

الف) همکاری در تسهیل امور حج و رفاه حجگزاران

در برخی از منابع، مکاتبات زیادی میان حاکمان ایران و عربستان در قرن دهم و یازدهم هجری به چشم می‌خورد که علمای شیعه در ایجاد این ارتباط‌های دوستانه

میان دولت ایران و عربستان نقش داشته یا در نگارش نامه‌ها، ایفای وظیفه کرده‌اند. حاصل این ارتباطات و نامه‌نگاری‌ها به وجود آمدن امنیت در راه‌های مواصلاتی مکه و مدینه و سفر ایمن حجاج ایرانی است (واثقی، ۱۴۳۶ق، صص ۲۲۰-۲۰).

شماری از عالمان شیعه، که دارای موقعیت سیاسی - اجتماعی بودند، در سفر حج در زمینه برگزاری مطلوب حج و کاسته شدن مشکلات حجاج با دولت عربستان همکاری داشته‌اند؛ از جمله آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی که برای رفتن به حج از طریق بیروت عازم جده می‌شد، وقتی در بیروت متوجه شد حجاج ایرانی وسیله نقلیه برای رفتن به مکه را پیدا نکرده‌اند، تقاضا کرد چندین هواپیما برای حمل حجاج به فرودگاه بیروت آمد و همه حجاج به جده اعزام شدند (قاضی عسکر، ۱۳۸۲، صص ۶۱-۴۲).

همچنین واعظ شهیر، مرحوم محمدتقی فلسفی، که در تاریخ اول مهرماه ۱۳۲۷ شمسی، مطابق با ۱۹ ذی‌قعدة سال ۱۳۶۷ قمری، با اتومبیل به مکه معظمه عزیمت نموده بود، بعد از عبور از کویت، وقتی متوجه شد ماشین‌های حجاج ایرانی در آن گرمای سوزان در رمل‌ها (شن و ماسه‌ها) فرو رفته‌اند، به فکر چاره افتاد. از آنجا که آقای «حمزه غوث» وزیر مختار سعودی در تهران، طی تلگرافی خبر سفر ایشان را به ملک‌العزیز سوم - پادشاه عربستان سعودی - (۱۲۸۹ - ۱۳۷۳ق)، مخابره کرده بود، وقتی ایشان با ولیعهد دیدار کرد از او درخواست نمود ماشین‌های قوی و جرثقیل برای نجات حجاج به آن منطقه بفرستد که در نتیجه همه حجاج به سلامت به مقصد رسیدند و مشکل گذرنامه و پرداخت عوارض ورود به عربستان و... همه با وساطت ایشان حل و فصل شد (گزارش سفرهای حج حجت‌الاسلام فلسفی رحمته‌الله‌علیه، میقات حج، شماره ۴۷، صص ۱۷۳-۱۶۷).

مرحوم محمدعلی مبارکه‌ای در سفر حج خود، وقتی تزییقات دولت سعودی را نسبت به حج‌گزاران مشاهده کرد، دو نوبت با شاه سعودی ملاقات نمود و با گفت‌وگوهای عالمانه با شاه سعودی و قاضی مکه، زندانیان را آزاد و موانع برگزاری حج را برطرف کرد (مختاری، ۱۳۹۳، صص ۱۳۶-۱۰۲).

ب) فناوای راهگشا در زمینه‌های اختلافی

بر اساس اعتقاد اهل سنت، اگر روز عرفه با روز جمعه مصادف شود، حج آن سال «حج اکبر» محسوب می‌شود؛ این امر در دوران‌های گذشته باعث می‌شد تعداد زیادتری از حاجیان سنی در حج آن سال شرکت می‌کردند و سود مادی بیشتری نصیب حاکمان و اشراف مکه می‌شد. اما مشکل این بود که اگر در یک سال، روز عید (دهم ذی‌حجه) مصادف با روز یکشنبه بود، برای آنکه روز عرفه (نهم ذی‌حجه) مصادف با جمعه شود، روز شنبه را عید اعلام می‌کردند و بدین ترتیب در واقع، روز عرفه، برابر با روز هشتم ذی‌حجه می‌شد؛ امری که هیچ فقیه شیعه یا سنی نمی‌توانست آن را بپذیرد. در این وضعیت، وقتی کاروان حج اهل سنت به سوی عرفات می‌رفت، شیعیان نمی‌توانستند آن روز را عرفه بدانند و طبعاً می‌بایست روز بعد را نیز در عرفات می‌ماندند؛ اقدامی که امرای مکه شدیداً با آن مقابله کرده و متخلفان را سخت مجازات می‌کردند. این دشواری تا اواخر دوره قاجار بوده و در بسیاری از سفرنامه‌ها، این اختلاف نظر و تبعات آن مورد توجه قرار گرفته است (جعفریان، ۱۳۷۴، ص ۱۰۵). برخی از اطلاعات مربوط به این دشواری در دوره صفوی را عبدالحی رضوی (م. بعد از ۱۱۴۱) چنین نقل کرده است:

در طول عمر ما، فراوان این مشکل پدید آمده و شده است که قاضی مکه، با شهادت یک حاجی مغربی، حکم به ثبوت رؤیت هلال می‌کند. دشواری آن است که به فرد شیعه اجازه داده نمی‌شود تا در وقت خودش وقوف در عرفه را انجام دهد... خوشبختانه حضرت آقای «سیدابوالحسن اصفهانی» آقای «سیدابراهیم شُبر» را از طرف خود به حجاز اعزام کرده بودند که در این قبیل اختلافات، نظر حضرت آیت‌الله را به شیعیان ابلاغ کند. ایشان دستور دادند در این قبیل اختلافات اگر معلوم شود تعدّد موقف، ممکن است زیان یا خطری برای حجاج شیعه ایجاد نماید، مطابق موقف محل عمل کنند. این جانب و آقایان دیگر نیز هر یک به نوبه خود این موضوع را به حجاج حالی نمودیم و قرار شد امسال این موضوع را ابداً مطرح نکنند که اختلاف بین سنی و شیعه رخ ندهد و خطری متوجه حجاج ایرانی نگردد (جعفریان، ۱۳۷۹، ج ۳، صص ۱۰۸۵-۱۰۸۲).

بقیه علمای شیعه نیز به جهت حل این مشکل، از مدت‌ها پیش، به لزوم تبعیت از فتوای اعلام شده در عربستان، فتوا داده‌اند. امام خمینی علیه السلام در پاسخ این سؤال «اگر از طرف قاضی مکه حکم شد که فلان روز عید است و ما یقین به خلاف نداشته باشیم متابعت آنان جایز است، آیا اگر در همین فرض بتوان احتیاط کرد و وقوف عرفات و مشعر و اعمال منا را بدون محذور انجام داد تا متابعت قطعی واقع شود؟» فرمود: باید تبعیت کنند؛ هر چند با علم به خلاف (خمینی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۰۱ استفتائات متفرقه) اکثر علما نیز همین نظر را دارند (همان).

علاوه بر آن، علمای شیعه فتاوی تقریبی فراوانی دارند که با هدف پیشگیری از اختلاف، و در راستای حفظ جان شیعیان از آسیب‌ها صادر شده است؛ مانند جایز بودن سعی در قسمت جدید مسعی (همان، ص ۷۱۰)، رمی در طبقات فوقانی جمرات (همان، ص ۷۱۸-۷۱۶)، سجده بر زمین در نماز همانند بقیه مسلمانان (همان، صص ۶۵۰-۶۴۵) و لزوم شرکت در نماز جماعت مسجدالحرام و مسجدالنبی (همان، صص ۷۲۶-۷۲۳).

به گفته یکی از علما: در گذشته برخی از حجاج ایرانی در نمازهای جماعت اهل سنت شرکت نمی‌کردند و هر کاروانی در محل سکونت، برای خود جماعتی داشت و زوار ایرانی در مسجدالنبی و مسجدالحرام، موقع نماز در اطراف محل نماز جمع می‌شدند و نماز آنها را تماشا می‌کردند که طبعاً موجب بدبینی نسبت به ایرانی‌ها شده بود. امام راحل بعد از انقلاب دستور داد: «همه در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از برگزاری نماز جماعات در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویه اجتناب نمایند» (خمینی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۲۳). این کار اثر مطلوبی به جای گذاشت و نظر آنها نسبت به ایرانی‌ها برگشت (مصاحبه با آیت‌الله محمدعلی فیض، میقات حج، شماره ۴۸، صص ۱۶۰-۱۵۳).

مقام معظم رهبری نیز فرمود:

امام علیه السلام توصیه کردند، امر کردند که «در نمازهای جماعت شرکت کنید» بنده هم عرض می‌کنم در نمازهای جماعت در مسجدالحرام، در مسجدالنبی و نیز در مساجد

دیگری که مقتضی است و متعلق به برادران اهل آن مناطق است، شرکت کنید. وحدت را نشان بدهید (خمینی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۹۶).

در سیره برخی از علما نقل شده است که خودشان در نماز اهل سنت شرکت کرده اند؛ از جمله مرحوم میرحامد حسین (مقدادی، ۱۳۷۴، ص ۱۶۳) و مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی (مهاجری، ۱۳۸۷، صص ۸۸-۷۳).

ج) تعامل در امور زیارت

زیارت قبور مطهر پیامبر اسلام ﷺ و ائمه بقیع علیهم السلام، همواره یکی از دغدغه‌های شیعیان به ویژه حجاج ایرانی بوده است. علمای شیعه نیز همواره می‌کوشیدند علاوه بر راهنمایی شیعیان در خصوص چگونگی زیارت ائمه بقیع، در زمینه آسان‌سازی زیارت و رفع موانع آن، با حکام عربستان تبادل نظر کنند. علمای بزرگوار، خصوصاً امام راحل علیه السلام توصیه اکید کردند، زیارت پیامبر اسلام ﷺ و دیگر معصومین علیهم السلام به نحو متعارف و صحیح انجام شود و از کارهایی که اشخاص جاهل در هنگام زیارت انجام می‌دهند و موجب وهن مذهب است، اجتناب گردد (خمینی، ۱۳۸۲، ج ۱، صص ۲۳، ۹۵ و ۱۳۰).

همچنین برخی از علما در سفر به مکه و مدینه و انجام مذاکره با حکام عربستان، از ممنوعیت زیارت جلوگیری نمودند. بر پایه نقل‌های معتبر، مرحوم آیت‌الله العظمی سیدمحمد رضا گلپایگانی در سفر حج خود، با امیر مدینه مذاکره کردند و ایشان دستور داد موانع قبلی برداشته شود و مردم راحت‌تر بتوانند به زیارت ائمه بقیع علیهم السلام پردازند؛ درحالی‌که پیش از آن کسی قدرت نزدیک شدن به شبکه‌های ضریح را نداشت (پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله العظمی گلپایگانی علیه السلام).

مذاکراتی که مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی با ملک‌عبدالله داشت، سبب شد زمان حضور زائران در بقیع افزایش یابد، خصوصاً اجازه ورود بانوان به بقیع نیز صادر شود؛ درحالی‌که تا آن سال (۱۳۸۴ شمسی) بانوان نمی‌توانستند وارد شوند. در این مذاکرات، از پادشاه عربستان خواسته شد از برخوردهای خشن مأموران امر به معروف

و نهی از منکر با زائران جلوگیری شود، فرصت زمانی بیشتر برای زیارت بقیع در نظر گرفته شود و از تخریب اماکن تاریخی - اسلامی نیز ممانعت به عمل آید (مهاجری، ۱۳۸۷ش، صص ۸۸-۷۳).

۳. تعامل علمی

علمای شیعه از دیرباز تعامل علمی با اهل سنت داشته و کتاب‌هایی در زمینه فقه مذاهب پنجگانه اسلامی نوشته‌اند. مرحوم شیخ طوسی در اثر مهم خود به نام کتاب *الخلافة*، محمدجواد مغنیه در کتاب *الفقه علی المذاهب الخمسه*، محمد قمی سزواری در کتاب *جامع الخلافة و الوفاق و دیگران*، ضمن تبیین فقه مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، دیدگاه فقهی چهار مذهب سنی را نیز بیان کرده‌اند. همچنین علامه حلی در کتاب *تذکرة الفقهاء و منتهی المطلب*، دیدگاه ائمه مذاهب سنی را به حسب مورد بیان می‌کند.

در این میان، حرمین شریفین، بویژه در موسم حج، یکی از فرصت‌های مطلوب برای برخورد افکار اندیشمندان مسلمان است و می‌تواند برای حل مشکلات فکری از یک سو و بروز کردن تفکر اسلامی از سوی دیگر، نقش مؤثری داشته باشد. بدین جهت علمای شیعه می‌کوشیدند در زمینه مسائل علمی، با علمای اهل سنت ارتباط فکری داشته باشند. برخی از آنها در مکه نزد علمای سنی تحصیل علم کرده و از آنان اجازه نقل روایت دریافت کرده‌اند؛ مانند سیدابوبکر بن شهاب علوی حسینی حصرمی، میرزا سیدابراهیم ظهیرالدین (م. ۱۰۲۵) و ابوجعفر ابراهیم بن اسماعیل بن جعفر بن محمد (م. ۳۹۰) (امین، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۵۱).

همچنین استادانی از علمای شیعه در مکه حضور داشتند که سعی می‌کردند با اشراف به فقه مذاهب خمس به پیروان همه مذاهب، خدمات علمی ارائه دهند. در حرمین شریفین، محدث و راوی بسیاری بوده که تعداد قابل توجهی از آنان ایرانی بوده‌اند. درباره برخی از آنها تصریح شده است که در مکه حدیث می‌گفته‌اند و بزرگان اهل حدیث و اصحاب سنن و صحاح از آنها حدیث نقل کرده‌اند. درباره آنان، تعابیر زیبایی از قبیل فقیه، مجتهد،

حافظ، شیخ‌الحرم، بارع، صالح، قاضی، زاهد، ثقه، امام، محدث، خطیب و... وجود دارد. برخی از علما نیز مقام «استادی قرائت» تدریس علوم متداول، ریاست علمی و مذهبی و امامت در مسجدالحرام داشته‌اند (طبسی، ۱۳۷۴، صص ۱۲۰-۱۰۷) برخی از آنان نیز با دایر کردن کرسی‌های گفت‌وگو، مناظره‌های علمی بسیاری در امور مختلف جامعه اسلامی، در مکه و مدینه برگزار کرده‌اند (شیخ‌الاسلامی، ۱۴۳۰ق، صص ۲۰۶-۸) برخی نیز با شرکت در همایش‌های علمی یا نگارش کتب تاریخی و کاوش در آثار مکه و مدینه، حسن نیت خود را در زمینه تعامل مثبت میان علمای شیعه و سنی به اثبات رسانده‌اند (قاضی‌عسکر، ۱۳۸۱ش، صص ۲۰۳-۱۹۶؛ مصاحبه با استاد محقق داماد، میقات حج، شماره ۲۷، صص ۱۹۸-۱۶۳). برخی از علما هم، با حضور در مراکز علمی و دانشگاهی و مذاکره با اندیشمندان، این ارتباط علمی را استحکام بخشیده‌اند (واثقی، ۱۴۳۶ق، ص ۲۹۳؛ مقدادی، ۱۳۷۴، صص ۱۶۹-۱۵۴).

۴. امور اجتماعی

عرصه دیگر برای تعامل علمای شیعه با دیگر مسلمانان، امور اجتماعی است. برخی از جلوه‌های آن ذکر می‌شود:

الف) دعوت به وحدت

تاریخ نشان می‌دهد علمای شیعه مبارزه با افراط‌گرایی، تعصبات بی‌جا و اختلاف و تفرقه در میان مسلمانان را وجهه همت خود قرار داده و همواره آنان را به اتحاد و یکپارچگی دعوت کرده‌اند، آیت‌الله کاشانی در سفر حج، توسط نمایندگان خود، یک پیام به دولت عربستان فرستاد که مربوط به اتحاد و اتفاق دولت‌های اسلامی، خصوصاً دول عربی، بود که با استقبال دولت سعودی مواجه شد و این پیام در روزنامه‌های سعودی چاپ شد (قاضی‌عسکر، ۱۳۸۲، صص ۶۱-۴۲).

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی علیه‌السلام، تفرقه و تشتت در میان مسلمانان را مهم‌ترین و کارآمدترین حربه دشمن برای تضعیف مسلمانان و بهره‌کشی

از وجود آنان و غارت سرمایه‌هایشان می‌دانست و بُرنده‌ترین سلاح در برابر دشمنان را نیز آگاهی مسلمانان و وحدت و یکپارچگی آنان اعلام نمود و فرمود:

«... ای مسلمانان جهان و ای پیروان مکتب توحید، رمز تمام گرفتاری‌های کشورهای اسلامی، اختلاف کلمه و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی است که خداوند تعالی در یک جمله بیان فرموده: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران: ۱۰۳) «اعتصام به حبل‌الله» بیان هماهنگی جمیع مسلمین است...» (خمینی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، صص ۲۷-۲۶).

در نظر امام راحل، کنگره جهانی حج، عامل مهمی برای وحدت مسلمانان است؛ آنجا که فرمود:

فلسفه حج، ایجاد تفاهم و تحکیم برادری بین مسلمین است... لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه، که موجب تفرق صفوف مسلمین است، احتراز کنند (همان، ص ۲۳).

از آنجا که امام خمینی رحمته‌الله علیه دعوت به وحدت را سیره مستمره علمای مسلمان می‌دانست، همواره بر آن تأکید داشت:

«.... علمای اسلام از صدر اسلام تاکنون کوشش کردند برای اینکه مسلمین همه با هم مجتمع باشند و همه ید واحد باشند بر غیر مسلمین. در هر جا که مسلمی پیدا بشود، باید با سایر مسلمین تفاهم کنند و این یک مطلبی است که خدای تبارک و تعالی در قرآن کریم (آل عمران: ۱۰۳) سفارش کرده است و پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سفارش فرموده است و ائمه مسلمین سفارش فرموده‌اند و علمای بیدار اسلام دنبال این امر را گرفته و کوشش کرده‌اند به اینکه مسلمین را در تحت لوای اسلام به وحدت و یگانگی دعوت کنند.» (خمینی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۶۴ و ج ۱۳ صص ۳۳۸-۳۳۷).

(ب) مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز

در تعالیم اخلاقی اسلام، به ویژه در روایات، عناوینی چون رفق، مدارا، حسن همجواری، مصاحبت و معاشرت نیکو و... به چشم می‌خورد که همه بر لزوم بردباری

و تحمل دیگران، همزیستی دوستانه و رفتار نیکو با دیگران در عرصه‌های اجتماعی، خصوصاً در سفرها دلالت دارد. امام خمینی فرمود:

به حجاج محترم ایرانی، که حامل پیام اسلام و قرآن کریمند و حامل پیام انقلاب اسلامی می‌باشند، سفارش کرده و می‌کنم که در آن مواقف شریفه - چه در مکه معظمه و چه در مدینه منوره - مدارا با مسلمین و مسلمات را، حتی با مأمورین آنجا، از دست ندهید و در آن مراکز، که محل امن است، به مقابله برنخیزید و با همه با اخلاق انسانی - اسلامی برخورد کنید و با نصیحت برادرانه و موعظه حسنه، همه مسلمانان را از اعمال خشونت بازدارید... (خمینی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، صص ۱۴۲-۱۴۰) اخلاق کریمه انسانی - اسلامی را با همه زوار، از هر طبقه و هر طایفه و هر رنگ و هر زبان و هر کشور باشند، با دقت مراعات نمایید و در برخوردها و رفت‌وآمدها در جمیع اوقات و احوال و پیشامدها صبور و بردبار باشید و کریمانه با همه رفتار نمایید و در مقابل درشتی‌ها، نرمی و سلم، و در مقابل بدرفتاری‌ها، خوبی و محبت کنید (همان، ص ۱۹۵-۱۹۱).

لازمه التزام به موازین اخلاقی، پرهیز از اموری مثل فسوق و جدال است که بر اساس آیه قرآن، از محرمات احرام در حج و عمره است **﴿فَمَنْ فَرَّضَ فِيهِنَّ الْحُجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ﴾** (بقره: ۱۹۷)، فسوق (به معنای دروغ) و جدال (یعنی بگو مگو کردن‌های خصمانه، لا والله بلی والله گفتن) (قمی، ج ۱، ص ۶۹؛ عیاشی، ج ۱، ص ۹۵)، نشانگر عدم پذیرش حقیقت و باعث سخنان ناروا و حرمت‌شکنی است و مسلمانان می‌بایست از آن پرهیز کنند. در روایتی، امام صادق علیه السلام فرمود:

از فخر فروشی پرهیز و بر شما باد، ورع و تقوایی که شما را از گناهان نگهداری کند؛ چون خداوند می‌فرماید: **﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ﴾** از جمله مصادیق تَفَث این است که در حال احرام، کلامی قبیح بر زبان جاری سازی (کلینی، ج ۴، ص ۳۳۸).

از جمله سفارش‌های امام خمینی علیه السلام به حجگزاران این است که فرمود:

برای رضای خداوند تعالی، تحمل هر پیشامد بدی - از هر کس باشد - با روی گشاده و سعه صدر نمایید که آن مواقف کریمه و بقاع شریفه محل نزاع و جدال نیست (خمینی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۱۹۱).

ضرورت پرهیز از جدال، یک امر فراگیر است بر اساس دستور خداوند، حتی با اهل کتاب نیز باید گفت و گوها به صورت مسالمت آمیز و به دور از هرگونه تنش صورت بگیرد: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (عنکبوت: ۴۶) «و با اهل کتاب، جز به شیوه‌ای که نیکوتر است، مجادله نکنید».

ج) رعایت نظم، ضوابط و مقررات

قوانین هر کشور به منزله ناموس، دارای حرمت بوده و پایبندی به آن یکی از الزامات سفرهای خارجی به شمار می‌آید. با توجه به حساسیت‌هایی که در کشور عربستان نسبت به حجاج ایرانی وجود دارد، لازم است زائران خانه خدا همه ضوابط و مقررات اعلام شده را دقیقاً رعایت نمایند. امام خمینی علیه السلام، با وقوف کامل به همه آنچه گفته شد، پایبندی به مقررات را کلید حل بسیاری از مشکلات و عامل روان‌سازی برنامه حج دانسته و فرمود:

حجاج محترم ایران و زائران حرمین شریفین... لازم است مراقب باشند که اعمال بی‌رویه و گفتار باطل تحقق پیدا نکند (همان، ص ۱۳۰) اینکه هر کس خودش بخواهد یک کاری بکند، این هرج و مرج همیشه غلط بوده... روی میزانی و روی برنامه باید کارها انجام بگیرد، نه [اینکه] هرج و مرج باشد؛ هر که هر طوری دلش می‌خواهد، عمل بکند (همان، ص ۹۵).

۵. مسائل سیاسی و امور بین‌الملل

حج، عبادتی با ابعاد سیاسی - اجتماعی در گستره جهانی است که بعد سیاسی - اجتماعی آن، سالیان متمادی مورد بی‌توجهی واقع شده است. امام خمینی علیه السلام، پس از پیروزی انقلاب سعی کرد بُعد سیاسی حج را زنده کند. در همین راستا ایشان همواره خواهان نجات مسلمانان از سلطه ستمکاران و جهان‌خواران بود و حج را بهترین فرصت برای تبیین حقانیت اسلام، و معرفی ستم‌های مستکبران نسبت به مسلمانان در سراسر جهان می‌دانست. ایشان فرمود:

بر شما ملت عزیز اسلام که برای ادای مناسک حج در این سرزمین وحی اجتماع

کرده‌اید، لازم است از فرصت استفاده کرده به فکر چاره باشید. برای حل مسائل مشکله مسلمین تبادل نظر و تفاهم کنید. باید توجه داشته باشید که این اجتماع بزرگ، که به امر خداوند تعالی در هر سال در این سرزمین مقدس فراهم می‌شود، شما ملت‌های مسلمان را مکلف می‌سازد که در اهداف مقدسه اسلام، مقاصد عالیه شریعت مطهره و در راه ترقی و تعالی مسلمین و اتحاد و پیوستگی جامعه اسلامی کوشش کنید. در راه استقلال و ریشه کن کردن سرطان استعمار، همفکر و همپیمان شوید. گرفتاری‌های ملل مُسلم را از زبان اهالی هر مملکت شنیده و در راه حل مشکلات آنان از هیچ‌گونه اقدامی فروگذار نکنید. برای فقرا و مستمندان کشورهای اسلامی، فکری کنید. برای آزادی سرزمین اسلامی فلسطین از چنگال صهیونیسم، دشمن سرسخت اسلام و انسانیت، چاره‌اندیشی کنید (همان، صص ۱۲-۱۱).

مقام معظم رهبری نیز بعد از بیان گرفتاری‌های مسلمانان در ابعاد مختلف، سیاستمداران و روشنفکران و علمای دینی را به چاره‌جویی فراخواند و فرمود:

... حج فریضه‌ای است که مهم‌ترین گرفتاری‌های سیاسی امت اسلامی در آن و با آن قابل حل است... آنان که نمی‌خواهند مضمون سیاسی حج را بپذیرند، در واقع اسلام را دور از سیاست، و دین را از سیاست جدا می‌خواهند (خامنه‌ای، ۱۳۸۷ش، ج ۲، ص ۱۴۵).

مرحوم هاشمی رفسنجانی - که با دعوت ملک‌عبدالله در کنفرانس اسلامی مکه شرکت کرده بود، به عنوان سخنران اصلی - دوری از تعصب و افراط‌گرایی را یکی از شرایط موفقیت دانست و گفت:

صهیونیسم در اختیار کفر جهانی قرار دارد و ما با سرمایه‌های عظیمی که در جهان اسلام داریم، باید در مقابل آنها بایستیم و به ملت‌های مسلمان که تحت ستم قرار دارند، کمک کنیم. جهان اسلام اکنون با تهدید جدی قدرت‌های استکباری مواجه است. ما باید برای تقویت جهان اسلام دست هماهنگی و دوستی به همدیگر بدهیم و روی مشترکات تکیه کنیم... برای مقابله با اشغالگران و قدرت‌هایی که امنیت مسلمانان را به خطر انداخته‌اند، احساس مسئولیت کنیم (مصاحبه با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، میقات حج، شماره ۳۰، صص ۷۳-۵۳؛ مهاجری، ۱۳۸۷ش، صص ۸۸-۷۳).

۶. روابط دوستانه با اهل سنت

در فرازهایی از تاریخ پانصد سال گذشته می‌بینیم تعداد قابل توجهی از علمای شیعه عراقی، لبنانی و ایرانی در مکه و مدینه حضور یافتند (واثقی، ۱۴۳۶ق، ص ۱۶۲) این علما برای ایجاد ارتباط میان دولت‌های کشورهای اسلامی، از جمله دولت ایران با حاکمان حجاز، واسطه بودند و هدایایی را از طرف دولتمردان ایران به حاکمان مکه و مدینه می‌رسانیدند؛ مثل شیخ صالح بحرانی - قاضی شیراز - که برای ارسال هدایای دولت صفوی به شریف مکه، واسطه شد (همان، ص ۱۷۷) و سید ناصر کمونه، از علمای نجف، که شخصی امین بوده واسطه شده برای رسانیدن هدایای یکی از سلاطین صفوی به علمای مدینه تا در راه تحصیل و ... هزینه شود (همان، ص ۲۳۱).

برخی از عالمان شیعه نیز خودشان اقدام به نامه‌نگاری می‌کردند؛ مانند سیدمحمدعلی بن سیدمحمدحسین که از علما و رجال اواخر قرن ۱۲ هجری است. ایشان نامه‌ای به علمای سید در مدینه منوره در خصوص دریافت هدایا و موقوفات در ماه صفر ۱۱۹۳ قمری نوشته است که باید در مدینه و مراقد ائمه اطهار علیهم‌السلام هزینه شود (همان، ص ۲۳۳) برخی نیز نامه‌هایی صرفاً با مضمون ابلاغ سلام و ابراز مودت نوشته‌اند؛ مانند شیخ جواد شبیبی - شیخ ادبای عراق - (زنده در میان سال‌های ۱۲۸۴ تا ۱۳۶۳)، که برای برخی از اشراف مدینه (ظاهراً شخصی به نام سیدعمران حبیبی حسنی)، نامه دوستانه ارسال کرده است (همان، ص ۲۳۶). موارد زیادی نیز در تاریخ به چشم می‌خورد که علما نامه‌ای از طرف حاکمان ایران به حکام مکه و مدینه نوشته‌اند؛ مانند نامه از شاه‌عباس اول صفوی با قلم شیخ بهایی، همراه با ابراز محبت و تبیین ارزش محبت و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، که در تاریخ ۱۰۱۲ قمری نوشته شده است (همان، ص ۱۵).

البته عالمانی از شیعه نیز نامشان در تاریخ ثبت شده است که مصاحبت و دوستی با علمای مکه و مدینه داشتند؛ سیدرضی‌الدین موسوی عاملی، با شیخ یحیی فرزند شیخ عبدالقادر رابطه دوستانه داشته است. این شیخ عبدالقادر سابقاً مفتی مکه بوده و در سال ۱۱۳۸ فوت کرده است. بعد از ایشان شیخ یحیی، که بسیار انسان فاضلی بود، به عنوان

مفتی مکه در منصب فتوا نشست. به گفته سیدعلی حویزی مشعشی در کتاب *الرحله*، در سال ۱۱۲۳ قمری شیخ یحیی از اجله ائمه حنفیه بود که مردم به وی اقتدا می کردند و بعد از رسیدن به مقام ققاهت به مذهب شیعه امامیه گرایش پیدا کرد و نامه دوستانه به دولت ایران نوشت و مولی محمد مسیح از رجال دولت صفوی و داماد آیت الله حاج آقا حسین خوانساری نیز جواب نامه وی را همراه با ابراز برادری و مودت فرستاد (همان، ص ۱۴۹)

برخی از علما و مراجع شیعه نمایندگانی از سوی خود به مکه و مدینه گسیل می داشتند تا برای ایجاد ارتباط و تلطیف فضای مابین بکوشند؛ مانند سیدابراهیم شبر به نمایندگی از مرحوم آیت الله سیدابوالحسن اصفهانی (جعفریان، ۱۳۷۹ ش، ج ۳، ص ۱۰۸۵-۱۰۸۲) و شیخ عبدالحسین فقیهی، به نمایندگی از آیت الله بروجردی (جعفریان، ۱۳۸۹ ش، صص ۵۶-۴۷). امام خمینی علیه السلام نیز هنگام معرفی امیر الحاج، همواره به تعامل با همه مسلمانان، حل مشکلات فیما بین، کمک به ضعیفان، حفظ و حراست از حجاج و تنظیم امور حجاج، سفارش می کرد (ورعی، ۱۳۸۹ ش، صص ۳۵-۱۴).

نتیجه گیری

در این تحقیق که با هدف بررسی دیدگاه و شیوه عمل علمای شیعه در زمینه رفتار با دیگر مسلمانان در زمان برگزاری حج و در سرزمین مکه و مدینه، انجام گردید، به دست آمد که آنان در همه زمینه ها به ویژه امور اعتقادی، عبادی، اجتماعی و سیاسی، بسیار با سعه صدر عمل کرده و ضمن تفاهم با حاکمان مکه و مدینه و جلب نظر آنان نسبت به پیروان اهل بیت علیهم السلام، همه مسلمانان را نیز به آرامش، رفتار و اخلاق مناسب با دیگران در موسم حج دعوت نموده اند. رفتار سنجیده و توصیه های اخلاقی علمای شیعه، باعث گردید سطح آگاهی های مردم افزایش یافته و سال به سال از میزان اختلافات و تنش ها کاسته شود. در همین راستا شاهد هستیم که با وجود دسیسه های گوناگون دشمنان و با وجود افزایش چند برابری جمعیت، مراسم حج با کمترین مشکل نسبت به دوران های گذشته برگزار می گردد.

۱. طبسی، محمدجواد، بهار ۱۳۷۴ش، نقش ایرانیان در حرمین شریفین، شماره ۱۱.
۲. ابونعیم، احمد بن عبدالله، (۱۴۰۹ق)، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۳. امین، سیدمحسن، (۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م)، اعیان الشیعة، حقه و اخرجه واستدرک علیه حسن الامین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۴. جعفریان، رسول، (۱۳۷۴)، سفرنامه مکه حسام السلطنة، به کوشش رسول جعفریان، تهران، نشر مشعر.
۵. جعفریان، رسول، (۱۳۷۹ش)، صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. جعفریان، رسول، (زمستان ۱۳۸۹)، شرح حال آیت الله شیخ عبدالحسین فقیهی، میقات حج، شماره ۷۴.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۸۷ش)، صحیفه حج (مجموعه سخنان و پیام‌های مقام معظم رهبری)، تهران، مشعر.
۸. خمینی، امام روح الله، (۱۳۸۲ش)، صحیفه حج، مرکز تحقیقات حج، تهران، نشر مشعر.
۹. خمینی، امام روح الله، (۱۳۹۳ش)، مناسک حج با حواشی مراجع معظم تقلید، نشر موسسه فرهنگی هنری مشعر.
۱۰. شریف‌رضی، محمد بن الحسین، (۱۳۶۹ش)، نهج البلاغه، تحقیق السید کاظم المحمّدی و محمد الدشتی، قم، انتشارات الإمام علی (ع) قم، چاپ دوم.
۱۱. فیض گیلانی، محمدعلی، (۱۳۸۳ش)، مصاحبه، میقات حج، شماره ۴۸.
۱۲. شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۱۳. شیخ مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، الإختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم، المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
۱۴. شیخ الإسلامی تویسرکانی، سیدحسین، (۱۴۳۰ق)، الفوائد المدنیة، تهران، نشر مشعر، تهران، چاپ اول.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

۱۶. طبرسی، احمد بن علی، (۱۳۸۶ق)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق محمدباقر الخراسان، نجف، مطبعة النعمان، چاپ اول.
۱۷. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق هاشم الرسولی المحلاتی، طهران، المكتبة العلمية، چاپ اول، ۱۳۸۰ق.
۱۸. قاضی عسکر، سیدعلی، (تابستان ۱۳۸۱)، یادی از استاد نجفی شوشتری، میقات حج، شماره ۴۰.
۱۹. قاضی عسکر، سیدعلی، (بهار ۱۳۸۲ش)، سفر حج مرحوم آیت الله کاشانی، میقات حج، شماره ۴۳.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، إعداد السيد الطیب الموسوی الجزائری، مطبعة النجف الأشرف.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۹ق)، الکافی، تحقیق علی أكبر الغفاری، طهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ دوم.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق دارالحديث، قم، دار الحديث، چاپ اول.
۲۳. مختاری، رضا، (بهار ۱۳۸۳ش)، گزارش سفرهای حج حجت الاسلام فلسفی رحمته الله، میقات حج، شماره ۴۷.
۲۴. مختاری، رضا، (پاییز ۱۳۹۳ش)، سفرنامه حج مرحوم حاج سیدمحمدعلی مبارکه ای، میقات حج، شماره ۸۹.
۲۵. محقق داماد، مصطفی، (بهار ۱۳۷۸ش)، مصاحبه، میقات حج، شماره ۲۷.
۲۶. مصاحبه با حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی، میقات حج، (زمستان ۱۳۷۸ش)، شماره ۳۰.
۲۷. مصاحبه با سرپرست حجاج ایرانی، میقات حج، (بهار ۱۳۸۹ش)، شماره ۷۱.
۲۸. مقدادی، محمدعلی، از هندوستان تا حریم یار، میقات حج، (زمستان ۱۳۷۴ش)، شماره ۱۴.
۲۹. مهاجری، مسیح، (تابستان ۱۳۸۷)، از صفا تا فدک، میقات حج، شماره ۶۴.
۳۰. واثقی، حسین، (۱۴۳۶ق)، المکاتبات المکیه، قم، مطبعة اعتماد، چاپ اول.
۳۱. ورعی، سیدجواد، (بهار ۱۳۸۹ش)، ولایت حج و زعامت حجاج، میقات حج، شماره ۷۱.